درباره فرهنگ دفاع و مبانی آموزش دفاعی

دفاع فرامرزی با برد بالا

■ دکتر حسین‌علی رمضانی* ■

همه موجـودات عالم مادی در سـیری از تولد و مرگ به سـر می‌برند، سیری که در آن بین حیات و ممات در حال دسـت و پا زدن هستند. این سیر چه انواعی به خود می‌گیرد؛ خطی و فرآیندی، سینوسی و هفت و هشتی، چرخشی و سیکل، امری است که در جای خود باید بدان پرداخت اما این یک واقعیت است که موجودات زمانمند و مکانمند، یک روزی خواهند رفت. وجود تضـاد امری بدیهی بوده و عامل حرکت در عالم امکان اسـت. حرکت، حقیقتی از شدن‌های دائمی و مبنای تغییر(Change) در سطوح جمادات (خـاک، آب، باد و آتش)، نباتـات و حیوانات و عالم انسانی است. همه موجودات در خطری دائمی به سر می‌برنـد؛ خطری که باعث از بین رفتن بخش یا کل ماهیت وجودی آنها خواهد شد، بنابراین وجود تهدید، امری واقعی و غیرقابل انکار در همه سطوح موجودات ممکن‌الوجود است. در مقابل تهدید، مفهومی به نام امنیـت(Security) وجود دارد کـه محور بحث ما است، که تعریف آن معطوف به «نبود تهدید» است. امنیت موضوعی است که هیچ‌گاه در این عالم که تضاد، حرکت و تغییر دائمی گاه پراکنده و گاه متراکم در آن پدیدار می‌شود، به طور صددرصد ایجاد نمی‌شود. این موضوع چه بسا در سـطوح پایینی موجودات اعم از جمادات، نباتات و حیوانات به طور حداقلی قابل احیا باشد اما در سطح کنشگران انسانی، به نظر امری بعید می‌رسد. انسان‌ها دائم در معرض تهدیدات متنوعی از جنس طبیعی و مصنوعی (انسان‌ساخت) هستند و این موضوع، انسان را وادار به حرکت به سمت امنیت می‌کنـد. نقطه امنی که در آن هیچ عاملی او را مورد تهدیـد قرار ندهد و به نظـر این امر در جهان متکثر دنیای مادی امکان‌ناپذیر است، مگر در جهان باقی و در جنات نعیم و به توصیه قرآن با تقواپیشـگی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ* ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ»

همچنان کـه تمام موجودات بـه نحوی و به طور غریزی برای دوام و بقای خود تلاش می‌کنند و برای حفظ امنیت سعی در تشکیل لایه‌های دفاعی در برابر تهدیدات متنوع محیطی هستند، انسان‌ها نیز به طور آگاهانه و گاه ناخودآگاه دست به چنین کاری می‌زنند، بنابراین ما اینجا با مفهومی به نام دفاع (Defense) مواجهیم. سیستم‌های دفاعی که بر اساس نوع نگرش انسان‌ها هویت می‌گیرد و چیستی، چرایی و چگونگی دفاع، معنای جدیدی می‌یابد و نقطه عطف این نوشتار نیز، همین موضوع و در کل «فرهنگ دفاعی» است.

در پاسخ به چیستی دفاع باید اذعان داشت مبنای تعریف را انسـان و ابعاد وجودی او فرض می‌کنیم تا بدین وسیله به یک تعریف نسـبتاً جامع از آن نایل آییم. ابعاد وجودی انسـان به ۳ ساحت جسم، فکر و قلب قابل تقسیم است، بالطبع تهدیدات که معطوف به یک انسان و یا یک کشور است، به تهدیدات جسمانی، فکری، علمی و روحی- اخلاقی قابل تفکیک و تمییز خواهد بود. انسـان‌ها در بین دو طیف حیات و ممات در حـال بـودن و نبودن هسـتند، بنابراین حیات و ممات جسـم، حیات و ممات فکـر و حیات و ممات قلب، اینجا مورد نظر است که در آیات و روایات اسلام بدان اشـارات کاملی شده است و بهترین منبع برای تشخیص این ابعاد از حیات و ممات، رجوع به آیات و روایات و سیره ائمه اطهار(ع) است. جهاد صغیر برای بقا و دوام بعد کالبدی و فیزیکی انسـان، جهاد کبیر بـر بعد فکری و اعتقادی و جهاد اکبر برای اخلاقیات و ارزش‌ها توسط انسان انجام می‌شود؛ اولی معطوف به سلامت جسـم، دومی بر سلامت فکر و سومی بر سلامت قلب: «... مَنْ أَتَى اللهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ...» نظر دارد.

در ادبیات مرسوم امنیتی، همچنان که تهدید به ۳ ساحت سخت، نیمه‌سخت و نرم تقسیم شده است، با کمی اغماض می‌توان همپوشانی و انطباق مفهومی بین ۳ بعد جسم با تهدیدات سخت، فکر با اطلاعات و اخلاق با تهدیدات نرم ایجاد کرد. تهدیدات سخت حیات انسان، تهدیدات نیمه‌سخت عرصه تفکری-علم و اطلاعات- و اعتقادی انسان و در نهایت تهدیدات نرم کـه قلب مخاطب را اعـم از ارزش‌ها، جهت و حب و بغض و خواهش‌ها را مورد هدف و هجمه قرار می‌دهد، بنابراین دفاع نیز باید نسبت به ابعاد فوق تعریف شود. «دفاع عبارت است از آمادگی همه‌جانبه یک سیستم در مقابله با تهدیدات موجود و مفروض آینده».

در حوزه ماهیت دفاع باید به ویژگی‌های آن اشاره داشت؛ ویژگی‌هایی که در تعریف فوق به عنوان دفاع همه‌جانبه یاد شده، ویژگی‌هایی از جنس طول، عرض و عمق دفاع است؛ بدین معنا که دفاع دارای عرضی از ابعاد، طولی از زمان و فرآیند و عمقی از لایه‌ها و سطوح است. دفاعی که در آن سیستم بموقع در هر شرایطی و در هر سطحی در برابر تهدیدات عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ عکس‌العملی که نشان‌دهنده حیات و پویایی و سرزندگی آن است. آمادگی و ورزیدگی همه اجزای سیسـتم برای دفاع، امری ضروری است. کافی است یک جزء از کلان‌سیستم اعم از زیرسیستم‌های تولید، توزیـع و مصرف دیتا و انـرژی، خوب عمل نکند، در نهایت این شادابی و سرزندگی ارگان دچار چالش شده و قدرت پاسخگویی به تهدیدات را نخواهد داشت. قوام و انسجام سیستم بستگی به آمادگی دائمی دارد و آیه «وَأَعِدّوا لَهُم مَا اسـتَطَعتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِباطِ الخَيلِ تُرهِبونَ بِـهِ عَدُوَّاللهِ وَعَدُوَّكُـم وَآخَرينَ مِن دونِهِم لا تَعلَمونَهُمُ اللهُ يَعلَمُهُم...» تداعی کننده این ارتباط است.

غایـت و چرایی دفاع نیز باید مورد بررسـی قرار گیرد. دفاع برای حفظ خود در برابر هجمه تهدیدات، امری است که عقل به آن توصیه و تاکید دارد. انسان عاقل نسبت به تهدیدات عکس‌العمل نشان می‌دهد و این انسان‌های فارغ از عقلانیت هستند که اولاً تهدید را نمی‌شناسند و ثانیاً نسبت به آن عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. انسان عاقل، سیستم دفاعی خود را همیشه آمـاده نگه می‌دارد تا با دفاع ضمن حفظ قوام، حیات خویش را دوام بخشد.

اما چگونگی دفاع که نقطه محوری و ثقل نوشتار حاضر است به فرآیندها، روش‌ها، تکنیک‌ها و ابزار نظر دارد. در این بخش به پاسـخ سوالاتی از قبیل فرآیند دفـاع (Processing of Defense) چیسـت؟ روش‌هـا (Way's) و راهبردهای دفاعی(Strategy of Defense) چگونـه اسـت؟ تکنیک‌های دفاعی کدام هستند؟ و ابزارهایی که می‌توان در عرصه دفاع در سـطوح و لایه‌های مختلف بهره گرفت، چیست؟ پرداخته خواهد شد.

با توجه به نظر نویسـنده، دفـاع دارای ۲ جهت و مبنای فکری هستی‌شناسـانه، معرفت‌شناسـانه و انسان‌شناسانه؛ اسلام و غرب بوده و قابل تمییز است، ضمن پاسـخ‌های متفاوتی که این دو جریان فکری از چیسـتی و چرایی دفاع ارائه می‌دهند، در پاسـخ به سـوال چگونگی دفاع نیز این دو جریان فکری دو پاسخ متفاوت ارائه خواهند کرد. چه بسا در نگاه مادی غرب «هدف وسـیله را توجیه کند» و در نگاه اسلام بـرای دفاع، در لایه روش‌هـا، تکنیک و ابزار مجاز به بهره‌گیری از هر وسیله‌ای نباشیم. اینجا ورود و برتری عقل معاد بر عقل معاش و تاکید بر اخلاقیات در حدود بهره‌گیری از وسایل توصیه شده است.

دفاع امری ضروری است که از بدو تولد انسان باید به عنوان یک اصل بـرای حفظ امنیت خود در برابر تهدیـدات فرض کند. دفاع نه زمان می‌شناسـد و نه مکان، دفاع بر اسـاس شرایط و وجود انواع تهدیدات امری است که آمادگی همه‌جانبه و دائمی را می‌طلبد. دفاع باید توسط تک‌تک اجزا و کنشگران یک سیستم انجام شود، بنابراین همه باید گوشه‌ای از این امر مهم را در جایگاه و نقشـی که خود یا سیسـتم برای آنها تعریـف می‌کنند، به خود اختصـاص دهند و ضمن تقویت دفاعی خود به تقویت دفاعی زیرسیستم‌ها و کلان‌سیستم اقدام کنند، لذا سوال از اینکه چه کسی باید به دفاع بپردازد؛ سـوالی درسـت و اشتباه است. سوالی درست، برای نشان دادن اهمیت دفاع و سؤالی اشتباه، چراکه هیچ کس فارغ از دفاع نیست.

برای تحدید موضوع، سـطح مورد نظر از دفاع در این نوشـتار را از فرد به سـمت کشور به عنوان یک «کلان سیستم» انتقال می‌دهیم. طبق نظر نگارنده، فرآیند منطقی دفاع در سـطوح مختلف از پژوهش، آموزش و انتشار و ترویج، تشکیل می‌شود. تولید قدرت دفاعی، آموزش قدرت دفاعی و انتشار و توزیع قدرت دفاعی، در اینجا مدنظر است. برای این منظور «علم دفاعی» شکل می‌گیرد. سیستم دفاعی باید به دنبال شکل‌دهی پژوهشـکده‌های دفاعی، آموزشکده‌های دفاعـی و در ادامه تبلیغـات دفاعی و ترویج فرهنگ دفاعی در آحاد جامعه باشـد. هر یک از این فرآیندها دارای چشم‌انداز، رسالت، ماموریت، اهداف، استراتژی، سـاختار، سـازمان و بودجه و امکانات خاص اسـت. برای مثـال در گام آموزش دفاعـی، ضمن تاکید بر دائمی بودن دفـاع در طول زندگی، همه اجزای یک سیستم- مانند آحاد جامعه و کشور- ساختار مکانی، سازمان انسانی، زمان آموزشی و بودجه و تجهیزات در ذیل چشـم‌انداز، رسالت، ماموریت و اهداف «آموزش دفاعی» باید ترسـیم شـود. ایـن امـر در گام‌های پژوهـش دفاعی که تولید فکر، تئوری و مدل و روش و راهبردهای دفاعی در آن انجام می‌شـود باید شکل گیرد. ترویج و تبلیغ فرهنـگ دفاعی نیز باید دارای ساختار، سازمان، امکانات و بودجه خاص خود باشد.

در حوزه آموزش دفاعی علاوه بر آنچه بیان شـد، نکاتی چند باید مدنظر قرار گیرد؛ از آن جمله:

- زمانی برای آموزش دفاع در نظر گرفته شود به عنوان واحدهای درسی
- مکانـی برای آموزش دفاع در نظر گرفته شـود به عنوان ساختار آموزش دفاعی
- محتوایی برای آموزش دفاع در نظر گرفته شـود به عنوان بخشی از متن آموزش دفاعی
- روش‌های آموزش دفاعی عبارتند از:

الف- «علم دفاعی» که به سمع مخاطبان می‌رسد و به چه چیزی باید در خصوص دفاع گفت، معطوف است.
ب- «عین دفاعی» که به بصر مخاطبان می‌رسد و به چه چیزی باید درباره دفاع نشان داد، معطوف است.
پ- «حـق دفاعی» که به عمل واقعی مخاطبان نظر دارد و به چه چیزی باید در خصوص دفاع عمل شود، معطوف است.

در سیر آموزش دفاعی با مؤلفه‌های مرسوم آموزش مواجه خواهیم بود از آن جمله؛ متن و محتوای آموزش دفاعی، اساتید و مربیان دفاعی، تجهیزات و امکانات، بودجه، فضای فرهنگ دفاعی، مدیریت آموزش دفاعی و... را می‌توان برشـمرد. با انجـام دقیق و گام به گام آموزش دفاعی در یک سیسـتم، طبق فرآیند رشـد سیستمی مثل نظام و انقلاب اسلامی ایران به سمت و سوی تمدن اسلامی، شاهد انسجام درونی و سرزندگی و پویایی سیستمی با رویکرد انقلابی خواهیم بود. در فرآیند آموزش دفاعی، تهدید یا همان دشمن در لایه فکری و نگرشی شناسـانده می‌شود و با جهت‌دهی انگشت اتهام به سمت دشمن واقعی یا همان تهدید اصلی، حب و بغض گرایشی مخاطبان نیز به دشمن شکل می‌گیرد.

بـا توجه به مباحث ارائه شـده و برای رسـیدن به اجماع نسـبی در خصوص فرهنگ دفاع و مبانی آموزش دفاعی، توجه شـما را به این نکته اساسـی جلب می‌کنم که انقلاب اسلامی در برهه‌ای از زمان و در میان پارادایم و هژمونی غالب مادی ظهور کرده است. دقت شود که لایه‌های دفاعی-امنیتی از منظر عقل باید برد نسـبتاً وسیعی داشته باشد؛ مبنی بر اینکه نباید برد دفاعی کشـور در حوزه سـاختاری، انسـانی و تجهیزاتی تا مرزها باشـد کـه این یک خطای راهبردی بزرگ محسـوب می‌شـود. انسان عاقل لایه‌های دفاعی خود را دور از خانه و حرم خود شـکل می‌دهد. اگر با دشمن و تهدید در دوردست وارد مقابله نشوید، باید نزدیک و نزدیک‌تر تا شهر و خانه خود باید عمل دفاع و حفظ بقا را انجام داد. هر چه برد و میدان عمل کشوری مثل ایران بیشتر باشد مطمئناً قدرت دفاعی او بیشتر و میزان ثبات و امنیت آن بالا خواهد بود. انقلاب اسلامی به مثابه یک ارگان و سیسـتم زنده در کلان‌سیستم حاکم باید حفظ حیات کند و این امر ممکن نخواهد بود الا در سایه دفاع همه‌جانبه؛ دفاعی که جغرافیا، زمان، فرآیند و شرایط، هیچ‌کدام نمی‌تواند مانع شکل‌گیری آن شود. دفاعی که ساحت و بعد کالبدی کشور و آحاد جامعه را در نظر می‌گیرد و آموزش نظامی و دفاعی مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، بسیج، خدمت مقدس سربازی و آموزش‌های تخصصی نیروهای مسلح به عنوان ساختار اصلی دفاعی از آن جمله است. دفاعی دیگر که ساحت و بعد علمی و فکری کشور اسلامی را باید تقویت کند و در حوزه تولید علوم و شکستن مرزهای دانش و رسـیدن بـه نقطه هژمونی علمی جهان با رویکرد اسلامی به عنوان قدرت نیمه‌سخت عمـل کند و نقـش پژوهشـگاه‌ها، اندیشـکده‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه در این بخش برجسته خواهد بود. دفاع اکبر که برای حفظ سـلامت قلب آحاد جامعه اسـلامی از تهدیدات اخلاقی و رذایل و روی آوردن به فضایل انجام می‌شود. دفاعی که دیگر نقش‌آفرینی آن توسـط تک تک جامعه با دعوت به معروف و نهی از منکر امکانپذیر است. فرآیندی که در آن حب و بغض و انگشـت اتهام به سمت تهدید و دشمن یا همان منکر واقعی است. آموزش دفاعی هم با تمام مؤلفه‌های آن باید در یک سـیر منطقی توسـط سامانه‌های آموزشـی در سطوح و لایه‌های مختلف با اثربخشی بالا انجام شود تا در سیر تربیت و آموزش، افرادی آماده برای دفاع از کیان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم.

***مدرس دانشگاه و کارشناس علوم انسانی**

■ ■ ■

تل‌آویو و حیثیت از دست رفته

رمزگشایی از شوی برجامی نتانیاهو

سـعید فرزاد: ماجرای ترک سـرزمین فلسطین از سوی انگلیس، یکی از موضوعاتی است که به خودی خـود پرده از ماهیت جنایتکارانه صهیونیسـت‌ها برمی‌دارد. «مناخم بگین» نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیسـتی (مشـهور به قصاب دیر یاسین) در نخسـتین قتل‌عام گسـترده خود در سال ۱۹۴۶ میلادی، هتل «کینگ دیوید» محل استقرار کلنی استعماری انگلیس‌ها در بیت‌المقدس را هدف حمله قرار داد. در آن انفجار، ۱۹ یهودی کشته شدند. نکته قابـل تامل اینکه مناخم بگین شـخصا به مقامات انگلیسی پیام داده بود جان یهودیان برای وی و دیگر مقامات رژیم صهیونیستی اساسا اهمیتی ندارد. پس از آن، اسـتعمار انگلیس که خود به جنایت و حیله مشـهور بود متوجه شد در مقابل جانیانی قرار دارد که حتی به خود نیز رحم نمی‌کنند! در نتیجه آنها تصمیم گرفتند فلسطین را ترک کنند؛ سرزمینی که آن را بتازگی از عثمانی غنیمت گرفته بودند... .

شانتاژ تبلیغاتی و روانی اخیر «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس در قبال برنامه هسته‌ای ایران، مورد توجه بسیاری از رسانه‌ها و تحلیلگران حوزه روابـط بین‌الملل قرار گرفته اسـت. اکثریت قریب به اتفاق رسـانه‌ها، این اظهارات را «کهنه» و «دروغین» خوانده و تاکید کرده‌اند نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس درصدد تاثیرگذاری علنی بر ترامپ و اعمال فشـار بر کاخ سفید جهت خروج از توافق هسته‌ای با ایران بوده است. به عبارت بهتر، نتانیاهو درصدد آن بر آمده است تـا در معادله «خروج واشـنگتن از برجام» نقش یک کاتالیزور را ایفا کند.

کلیت ابراز نگرانی نتانیاهو در قبال برنامه هسته‌ای ایران متـرادف با تمسـخر سـازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و افکار عمومی دنیا از سـوی سردمداران رژیم اشـغالگر قدس است. این ابراز نگرانی در حالی است که حجم واقعی زرادخانه رژیم صهیونیستی به طور دقیق تعیین نشده و موضوع ارزیابی‌های متفاوت بوده است. با این حال «ایهود اولمرت» نخست‌وزیر اسـبق رژیم صهیونیستی در سـال ۲۰۰۷ میلادی اعتراف کرد این رژیم سـلاح اتمـی در اختیار دارد. نکته تاسفبار اینکه به‌رغم اذعان عالی‌ترین مقام رژیم صهیونیستی نسبت به در اختیار داشتن سلاح‌های ممنوعه هسته‌ای، همچنان آژانس بین المللی انرژی اتمی (به بهانـه عدم عضویت رژیم صهیونیسـتی در ان‌پی‌تـی) و دیگـر سـازمان‌های بین‌المللـی همچنـان «بازخواسـت هسته‌ای از صهیونیست‌ها» را به عنوان وظیفـه‌ای اساسـی و حیاتی فراموش کرده‌اند. نخستین بار، یازدهم دسامبر سـال ۱۹۷۹، مجمع عمومی سازمان ملل متحـد از دبیرکل این سـازمان درخواسـت کرد تحقیقاتـی را درباره تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی بـه عمـل آورد و گزارشـی از آن را به مجمع عمومـی عرضه کنـد. اگرچه ۵ کارشـناس به مدت یک سـال در این‌باره کار کردند و تحقیقات نسـبتا جامعـی را در این‌بـاره انجام دادند امـا نتیجه این تحقیقات همچنان در اسـناد بایگانی شده سازمان ملـل متحـد و میـان دبیرکل‌های سـازمان ملل - کـه اتفاقـا بسـیاری از آنها مـورد حمایت لابی صهیونیسم هستند- دست به دست می‌شود!

نکته دوم اینکه سـال ۲۰۱۵ میلادی، بنیامین نتانیاهو تلاش زیادی برای تاثیرگذاری مسـتقیم بر تصمیم دولت اوباما (درباره کلیت پذیرش برجام) و جلوگیری از تصویب آن در سنای آمریکا کرد. حتی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از طریق لابی آیپک سعی کرد آرای تمام نمایندگان حزب جمهوری‌خواه در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا را نیز به ضرر برجام به گردش در آورد و البته در این مسیر موفق بود. با این حال برجام در نهایت با رای ۴۳ سـناتور دموکرات به تصویب رسـید. از ایـن رو تلاش‌های نتانیاهو برای تاثیرگذاری مستقیم و آشکار بر برجام، مسبوق به سابقه است. با این حال رژیم صهیونیستی در سـال ۲۰۱۵ میلادی (زمـان تصویب برجام) به لحاظ حیثیتـی ضربه سـختی را از دموکرات‌های آمریکا دریافت کرد. تصویب برجام به‌رغم نظر منفی نتانیاهو و کابینه رژیم صهیونیسـتی و لابی آیپک، منجـر به القای گزاره‌ای به نام «کاهش ضریب نفوذ رژیم صهیونیستی در میان سیاستمداران آمریکایی» شد. هم‌اکنون نتانیاهو درصدد از بین بردن این گزاره و جایگزین کـردن آن با گزاره قبلی و اصلی، یعنی «تاثیرپذیری مطلق آمریکا از رژیم صهیونیسـتی» است. از این رو باید نسـبت به هدفگذاری نتانیاهو و اظهارات ضدبرجامی وی برآورد دقیقی داشت. این اظهارات محدود و محصور در برجام نیسـت، بلکه بایـد در حوزه مناسـبات کلان رژیم صهیونیستی و ایالات متحـده آن را تجزیه و تحلیل کرد.

نکته سـوم اینکـه «از بیـن بردن برجـام» با توجـه به حضـور «دونالد ترامـپ» در کاخ سـفید و تسـلط نمایندگان جمهوری‌خواه بر مجلس نمایندگان و سنا عملا نیازی به توصیه نتانیاهو و اجرای شوی نمایشی وی نداشـته و ندارد! ضمن آنکه برجام مدت‌هاست از سـوی دولت ترامپ در عمل لغو شـده و مقامات رژیم صهیونیستی نیز بخوبی می‌دانند با توافقنامه‌ای بی‌خاصیت مواجه هستند. با این حال نتانیاهو تصمیم گرفته اسـت لابی‌گری سلبی علیه برجام را از حوزه «دیپلماسی پنهان» به حوزه «دیپلماسی عمومی» کشـانده و از این طریق، تصویری را که سال ۲۰۱۵ میلادی و در میان افکار عمومی دنیا بر سر مناسبات آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل گرفته از بین ببرد. بدون شـک این اقدام و شوی نمایشـی نتانیاهو، با هماهنگی و تایید دونالد ترامپ و سیاستمداران کاخ سفید انجام شده است. استقبال «مایک پمپئو» وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا از اظهارات نتانیاهو نیز در همین راستا قابل تجزیه و تحلیل است. نوع واکنش دونالـد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز پرده از بازی مشـترک واشنگتن و تل‌آویو در قبال شوی برجامی نتانیاهوبرمی‌دارد.

در نهایـت اینکه شـانتاژ برجامـی رژیمی که به قول مناخـم بگین ابایی از کشـتن یهودیان و صهیونیست‌ها نیز در ازای دسترسی به اهداف خود ندارد، اساسا اهمیتی برای افکار عمومی دنیا ندارد. «بازخواست هسته‌ای صهیونیست‌ها» خواسته‌ای اسـت که باید به صورت جدی از سوی جمهوری اسلامی ایران و دیگر بازیگران بین‌المللی دنبال شود. نوع واکنش سلبی جامعه جهانی نسبت به اظهارات نتانیاهو نشان داد زمینه مساعدی برای انجام این کار در برهه زمانی فعلی وجود دارد.

درنگ

۲ بال برای پرواز-۱۵

فرهـاد ملامینی: در ادامه مباحث توحید و بیان توحید ناب اسـلامی و رد سـخنان بسـیاری از معاندان، شایسته است به مسأله‌ای دیگر در این باب توجه کرد؛ قرآن کریم می‌فرماید: «و بترسید از روزی که هیچ‌کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته شود و نه او را میانجیگری سودمند افتد و نه یاری شوند».[1] عده‌ای این آیه را دستاویزی قرار داده‌اند تا اصل مسـأله شفاعت را زیر سوال ببرند، بدین بیان که اگر کسـی معتقد به وجود شفیع در روز جزا باشد به خداوند شرک ورزیده اسـت و از جرگه اسلام خارج شده است. این در حالی اسـت علمای شیعه و سنی بر اصل مسأله شفاعت پا فشاری کرده‌اند که در ذیل نمونه‌هایی از ایشان را می‌آوریم. شیخ طوسی(ره) می‌فرماید: «شفاعت نزد ما امامیه از آن پیامبر(ص)، بسیاری از اصحابش، تمام امامان معصوم علیهم‌السلام و بسیاری از مومنان صالح می‌باشـد.»[2] و قاضی بیضاوی در تفسـیر آیه‌ای کـه پیش‌تر ذکر آن رفـت می‌گوید: «برخـی این آیـه را دلیل نفی شـفاعت از گناهکاران کبیره دانسته‌اند ولی باید دانست این آیه مخصوص کافران است، زیرا آیات و روایـات فراوانی دلالت بر تحقق شـفاعت در امت دارد».[3] این مسـأله تا جایی پیش می‌رود که حتی محمـد بن عبدالوهـاب نیز می‌گوید: «شفاعت پیامبر(ص) و سایر انبیا و ملائکه و اولیا و کودکان، از جمله اموری است که مطابق روایات وارده، ثابت اسـت».[4] البته باید این را دانسـت که شفاعت دارای شـروطی است همانگونه که در سخنانی که از برخی افراد نقل شد، مشاهده شد که شفاعت‌کننده باید شرایطی داشته باشد، کسانی دارای مقام شفاعت هستند که اولا دارای مقام و منزلتی در نزد خداوند باشـند و در ثانی دارای اذن برای شفاعت باشند، زیرا همانگونه که قرآن کریم می‌فرماید شفاعت از آن خداوند است: «بگو شفاعت یکسره از آن خداست، فرمانروایی آسمان‌ها و زمین خاص اوست سپس به سوی او بازگردانیده می‌شوید».[5] پس کسی که قرار است شـفاعت کند باید حتما خدایی باشـد و در نزد پروردگار مقامی شایسته داشته باشد: «و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله] نافله‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برسـاند.»[6] و نیز شـفاعت‌کننده باید از سوی پروردگار اجازه‌ای مبنی بر شفاعت داشته باشد: «کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شـفاعت کند».[7] پس اینگونه نیست که کسی بتواند سـر خود و بدون توجه به عنایت حضرت حـق از دیگران شـفاعت کند. شـفاعت‌کننده باید ماذون از طرف خداوند باشـد، زیرا شفاعت مخصوص خداوند است و دیگران فقط ظهورات این جلوه رحمت الهی هسـتند و از سوی دیگر شفاعت‌شونده نیز نباید تمام زمینه‌های بخشیده شدن خویش را از میان برده باشد یعنی همانگونه که برای دریافت فیوضات الهی در جهان ماده نیاز به استعدادهایی هست، در جهان آخرت نیز باید گیرنده فیض الهـی با خود ظرفیتی را به همراه داشته باشد، البته تفاوت ظرف دنیا و آخرت این اسـت که در دنیا می‌توان ظـرف را ایجاد کرد یا آن را گسترش داد ولی در آخرت چنین امکاناتی نیسـت و باید با ظرفی که از دنیا با شخص است رحمت الهی را دریافت کند. درخواسـت شفاعت از اولیـای الهی امری اسـت که قـرآن کریم به آن تصریـح دارد؛ جایی که می‌فرماید: «گفتند ای پـدر برای گناهـان ما آمرزش خـواه که ما خطاکار بودیم، گفت بـزودی از پروردگارم برای شـما آمرزش می‌خواهم که او همانـا آمرزنده مهربان اسـت».[8] پس اصل درخواسـت کردن برای دعا شـرک نیسـت، زیرا عملی اسـت که پیامبرزادگان آن را از پدرشـان که پیامبر است درخواسـت می‌کنند و او نیز این عمل ایشان را تقبیح نمی‌کند. از همین رو اسـت که می‌توان برای این عمل مشروعیت قائل شد، زیرا پیامبری که کار اصلی او مبارزه با شـرک است این عمل فرزندان خویش را رد و منع نکرده است و قرآن کریم نیز با نقل این اتفاق و صحه گذاشتن روی عمل حضرت یعقوب(ع) آن را تایید می‌فرماید. در روایت است که : «از پیامبر درخواست کردم که برای من در روز قیامت شفاعت کند. حضرت فرمود: من انجام خواهـم داد. عرض کردم کجا دنبال شـما باشـم فرمود در کنار صـراط».[9] امیرالمومنیـن(ع) نیز پس از اتمام غسـل نبی اکرم(ص) به ایشان عرض می‌کنند: «پدر و مادرم بـه فدایت ما را نزد پروردگارت یاد کن».[10] این بود گوشه‌ای از مطالب مربوط به شفاعت.

پی‌نوشت:

۱- سوره بقره آیه ۱۲۳
۲- تبیان، ج یک، ص۲۱۳
۳- انوار التنزیل، ج یک، ص۱۵۲
۴- الهدیه‌السنیه، ص۴۲
۵- سوره زمر آیه ۴۴
۶- سوره اسراء آیه ۷۹
۷- سوره بقره آیه ۲۵۵
۸- سوره یوسف آیات ۹۷ و ۹۸
۹- سنن ترمذی، ج۴، ص۴۲
۱۰- مسند احمد بن حنبل، ح ۲۲۸